خاتمه: چند طرح برای آینده بحث...

الف) ضرورت تدوین منطق موضوع محوری

[جایی که میگوییم ظنّ‌ّقوی، ظنّ‌ّاقوی، اطمینان، مورد اعتنای عقلاء و ... همه این ها عناصر منطق فازی است که اصلاً در منطق ارسطویی نمیتوانید تحلیلش کنید. اینها برای کسی که انس داشته باشد خیلی واضح است.

ضرورت تحصیل منطق فازی

بنابراین ما باید از ابتدا برویم منطق فازی را بخوانیم. منطق را بسط بدهیم، نسبت به نیازهایمان آن را پایه‌ریزی بکنیم. قبلاً مشکل منطق فازی یکی کمبود زبان ریاضی بوده، چون زبان ریاضی نداشته، قبلیها میگفتند خب این چیست. خودمان میدانیم که این قوی، اقوی است، اما زبان نداشته است. زمان ما، منطق فازی از نظر زبان ریاضی خیلی پیشرفت کرده است، یعنی الآن بچه دبستانی هم کلمه درصد را بلد است، اما شما ۴۰۰ سال پیشتر بروید، اصلاً در یک کتاب درصد نمی‌بینید.

حساب احتمالات؛ مبنای منطق فازی

عمر حساب احتمالات، ۳۰۰ سال است[1]. حساب احتمالات، مبنای منطق فازی قرار میگیرد. مرحوم آقای صدر، هم در بحوث و حلقات و اینها مطرح کردند و هم یک بحث گسترده‌ای دارند در «**الاسس المنطقیه للاستقراء**» که آن کتاب را انسان بخواند و بحث کند نافع است.[2] [3]]

ب) طراحی نرم‌افزار بررسی موضوع محور

[اگر هم امروز کسانی که با برنامه‌نویسی آشنا باشند، نرم‌افزاری را خودشان بنویسند یا از نرم‌افزاری که نوشته اند استفاده کنید خیلی خوب است . نرم‌افزاری که موضوع محور باشد.

نرم‌افزارهایی هست به‌صورت مدیریت ذهن(mind map)[4] ،نرم‌افزارهایی که ذهن را به جای این که به صورت درخت دربیاورند، به صورت نقشه در می آورند. چون ذهن و تفکرات ما همیشه درختی کار نمی‌کند. درختی یکی از انواعش است. این نرم‌افزارها پیشرفت قابل ملاحظه و تفاوت چندانی با ساختار درختی ندارد، ولی اصل فکر خوب است. اینکه نرم‌افزار، ناقص باشد غیر از اصل خود فکر است.

چند تا از نرم افزارهایی که نقشه ذهن را ترسیم می‌کند، ملاحظه کنید.

برخی نرم افزارها هست که پروژه هایی را مدیریت می کند که چندین جور است؛ مثلاً یک طرحی دارید و می خواهید آن را به نتیجه برسانید. چگونه پیش برویم تا به نتیجه برسیم؟ و به چه چیزهایی نیاز داریم و چه مراحلی را باید طی کنیم. این ها را می دهیم به این نرم افزار و او ما را راهنمایی می کند و نمی گذارد چیزی را فراموش کنیم و پروژه ی ما را مدیریت می کند و آن را به سرانجام می رساند.

نرم افزارهای دیگری هم هست که آن را ندیده ام ولی حدس میزنم که حتماً باشد. نرم افزارهایی بر پشتوانه منطق فازی که درصد وقوع حادثه را پیش بینی می کند.این که این واقعه چند درصد ممکن است واقع شود. پیش‌بینی درصد خیلی مهم است[5].

و آخرش هم نرم‌افزارهایی که در حقوق برای تحلیل مبانی حقوقی اگر نوشته شده است که من کار نکرده‌ام و برای تذکر خدمتتان عرض کردم.

و آخرش هم نرم‌افزارهایی که در حقوق برای تحلیل مبانی ِحقوقی طراحی شده است.

کاری که ما می خواهیم این است که یک موضوع را محور قرار دهیم و نخست آن را تحلیل کنیم به شؤون و مؤلفه های خود موضوع. سپس شروع کنیم به جمع آوری شواهد. به طوری که هر شاهدی با خصوصیات خاص خودش، درصد مؤلفه های موضوع را یا بالا ببرد یا پایین بیاورد.شواهد ِله و علیه؛ دارای ارزش مثبت یا ارزش منفی. اگر چنین نرم افزاری طراحی شود بسیار مفید خواهد بود. [6]]

نمونه سؤالات نرم‌افزار موضوع محور

[155- سوالاتی که یک نرم افزار هوشمند موضوع محور خوب است بپرسد:

آیا مکان و زمان خاص تعیین شده است؟

آیا معارض دارد؟

آیا انگیزه های سیاسی و اجتماعی و... دارد؟[7]]

ج) تحقیق موضوع محور بر روی کتاب سلیم بن قیس

امثال این یک آقا آقایی را بعد بدهیم؟ از منبر گفتند این‌ها را که -.یک جایی منبر بودیم، یک قسمتی از[8] حالا کتاب این سلیم را استفاده می‌شود؟ چطور کردیم جواب و خواندیم

یکی از بهترین کارها امروز برای کسانی که می‌خواهند کار تحقیقی بکنند، بررسی کتاب سلیم براساس موضوع محوری است[9].

،این‌که جاهای دیگر هم این حرف آمده است -بله موضوعی

احسنت.

بعضی از چیزهایش متفرّد به است-

بله، بعضی هست. مثلاً یکیش راجع به عمار بود[10]. این خب در همه‌ی نسخ کتاب سلیم هم نیست. در یک نسخه سلیم است. این‌هم معارض‌های قوی دیگری در روایت دیگر دارد. خب اینجا که ما حرفی نداریم. آن چیزهایی که متفرد است، ما به‌عنوان خبر واحدی که آن هم در بعضی از نسخ است، نگاه می‌کنیم. یعنی از نظر بحث موضوع محوری ضعیف است. شاهدی از موارد دیگر ندارد، خود کتاب هم در بعضی از نسخه‌هایش است. این موارد، ارزش صدقش را مرتب ضعیف می‌کند. راهی به جز این نداریم؛ ما که نیامدیم قسم بخوریم که هرچه در هر نسخه‌ای است، از خبر واحد بیافتد[11].]

---

[1] یک اختلاف نظر در قمار بازی در سال ۱۶۵۴، منجر به پیدایش نظریه احتمال در ریاضیات توسط دو ریاضیدان مشهور فرانسوی، پاسکال و فرما، شد. آنتوان گمبود، یک نجیب زاده فرانسوی که به سوالات مربوط به بازی‌ها و قمار علاقه‌مند بود، توجه پاسکال را به یک تناقض ظاهری مربوط به یک تاس بازی بسیار مشهور جلب کرد. در این بازی، هر بازیکن می‌بایست یک جفت تاس را ۲۴ مرتبه پرتاب می‌کرد. سؤال اصلی این بود که آیا شرط‌بندی بر سر این که حداقل یک بار از ۲۴ بار، جفت ۶ ظاهر شود منطقی است یا خیر.

طرح چنین مسایلی، به نامه نگاری‌هایی بین پاسکال و فرما منجر شد و به این ترتیب اصول پایه ای نظریهٔ احتمال برای اولین بار شکل گرفت. با وجود این که تعداد محدودی از مسایل مربوط به بازی‌های شانسی در قرن‌های ۱۵ و ۱۶ توسط ریاضیدانان ایتالیایی حل شده بود، اما تا پیش از این هیچ نظریهٔ عمومی برای احتمال ارایه نشده بود.

کریستین هویگنس، دانشمند هلندی، و از استادان لایب نیتس، مدت کوتاهی بعد از این نامه نگاری‌ها، اولین کتاب دربارهٔ احتمال را با عنوان بازی با تاس منتشر کرد. این کتاب مسایل مرتبط با قمار را مورد بحث قرار داده بود.(سایت ویکی پدیا)

شاید بتوان اولین کاربردهای احتمال را نزد ریاضیدانان ایرانی و عرب در قرن ۸ تا ۱۳ میلادی جستجو کرد. «الخلیل» (Al-Khalil) در قرن هشتم میلادی کتابی به نام «کتاب رمزنگاری پیام‌ها»

نوشت که شاید اولین کاربرد ترتیب (Permutation) و ترکیب (Compbination) را در آن مطرح نمود. به این ترتیب او سعی داشت که تمامی حالات ممکن قرار گیری حروف الفبای عربی (که زبان علمی آن زمان محسوب میشد) را مشخص و شمارش کند. همچنین «الکندی» (Al-Kindi) در قرن نهم، مبانی اولیه‌ای برای استنباط آماری را براساس تحلیل فراوانی پایه‌گذاری کرد. ابداعات و فعالیتهای «ابن عدلان» (Ibn Adlan) در قرن دوازدهم نیز بر «حجم نمونه» (Sample Size) و خصوصیات آن در تجزیه و تحلیلهایی براساس استنباط فراوانی، تکیه داشت.

نظریه احتمال مبتنی بر ریاضیات، ریشه در تلاش برای تحلیل بازیهای شانس دارد که توسط «گرولاموِ گردانو» (Gerolamo Cardano) در قرن شانزدهم و همچنین «پیر فرما» (Pier de Fermat) و «بلز پاسکال» (Blaise Pascal) در قرن هفدهم مورد کاوش قرار گرفت. **«کریستیان هویگنس» (Christian Huygens) در سال 1657 میلادی کتابی با موضوع احتمال منتشر کرد** و در قرن 19 نیز «پیر لاپلاس» (Pierre Laplace) آنچه را که امروزه به عنوان تفسیر کلاسیکی از احتمال میشناسیم، به جهان معرفی کرد.

در بدو امر، نظریه احتمال به طور گستردهای مربوط به وقایع و پدیدههای تصادفی با مقادیر گسسته ای شمارشی بود و روشهای به کار رفته برای حل معماهای احتمالی برمبنای ترکیب (Combination) و اصول شمارش (Counting Rules) صورت میگرفت. ولی به مرور با به کارگیری ریاضیات، روشهای تحلیلی برای متغیرهای پیوسته نیز مطرح و توسعه داده شد.

جستجو و تعیین اصول کامل برای تعیین تواتع احتمال در ریاضیات مدرن، در مبانی و اصول پایه‌گذاری شده توسط «آندری نیکولایچ کولموگوروف» (Andrey Nikolaevich Kolmogorov) در اوایل قرن بیستم به پایان رسید. کولموگوروف در سال 1933، مفهوم فضای نمونه را که توسط «ریچارد فون میزز» (Richard von Mises) معرفی شده بود، با نظریه اندازه ترکیب کرد و اصول و قضیههای مهمی را برای تئوری و نظریه احتمال ارائه داد.(ساعت فرادرس، مقاله نظریّه احتمال و کاربردهای آن)

من الناحية التاريخية عُرفت نظرية الاحتمال لدى العرب والهنود وغيرهم قبل ان تلفت نظر الغربيين منذ النهضة الحديثة واول ما بدأ الاهتمام بها عبر تحديد القيم الرياضية الخاصة بالعاب الحظ والمصادفة. وهناك بعض الاصطلاحات التي شاعت لدى الغرب ظهر ان مصدرها كان من العرب، ومن ذلك لفظة هزرد (hazard التي تعني اللعب في قطعتي زهر او ثلاث، وقد اشير الى هذه اللعبة في ادبيات العصر الكنيسي في الغرب. وكانت اللفظة شائعة قبل ان تحل محلها لفظة (الصدفة chance) وعليه ذكر الاستاذ هاكن ان الرياضيات الاحتمالية هي مثل نظام الارقام في الغرب، تعود الى اصل عربي، وان لفظة هزرد هي كلفظة علم الجبر مأخوذة من العرب. وقد كان أوائل العلماء الأوروبيين - وهم الايطاليون - يعملون على حل مشاكل العاب الحظ والمصادفة للهزرد الشائعة في افريقا الشمالية، في الوقت الذي كانوا فيه منشغلين بتطوير علم الجبر وحل مسائله الرياضية. ومع ان العلم الخاص بلعبة الزهر له بصيص من الوجود لدى الأوروبيين خلال القرن الخامس عشر، الا ان اساس هذا العلم يرتد الى قديم الزمان. فمن المصادر التي تناولت العلم المذكور ما جاء في بعض الكتب الهندية القديمة، حيث وردت قطعة نصية تشير الى هذا النوع من العلم في كتاب (ماها باراتا)، وذلك قبل ان يتعرف الاوروبيون عليه بقرون طويلة. ومعلوم ان اغلب الكتب التي تعرضت لتاريخ الاحتمال تبدأ بالفيلسوف الرياضي باسكال. وقد كان لمثلثه انذاك دور مهم في حل بعض المسائل الاحتمالية البسيطة كتلك المتعلقة بالعاب المصادفة وما شاكلها. واحياناً تشير بعض الدراسات الى ان اوليات التفكير في القضايا الاحتمالية تعود الى ما قبل باسكال بقرن تقريباً. ومن ذلك ان المؤرخ تودانته، وهو من مؤرخي القرن التاسع عشر البارزين، لم يكتب عن الفترة التي سبقت باسكال الا ست صفحات من كتابه الذي تجاوزت اوراقه الستمائة صفحة، وقد تناول في الصفحات الست آراء كل من كاردان وكبلر وغاليلو، ومن قبلهم لبري. لكنه لم يشر الى ما قبل

الفترة الحديثة والى الدور العربي في علم الاحتمال رغم ما تضمنه كتابه من الحضور الواسع للفظة هزرد. وكأن صياغة الاحتمال من الناحية العلمية لم يتوفر ظرفها الا مع مطلع العصر الحديث، وبالتحديد مع باسكال (يحيى محمد في تعليقته على الاساس المنطقية للاستقراء، ص ۱۲۴)

[2] فصل اول بخش سوم کتاب ایشان، به نظریّه احتمالات و تطبیقات آن اختصاص دارد: الفصل الاول من القسم الثالث : الدليل الاستقرائي في مرحلة التوالد الموضوعي.(الاساس المنطقية للاستقراء، ص ۱۲۳-۲۱۱)

[3] جلسه درس فقه العقود، تاریخ ۷/ ۱۲/ ۱۳۹۷

[4] در این زمینه همچنین می‌توان به سایت‌های زیر می‌توان مراجعه نمود:

عنوان mind map در سایت wikipedia

عنوان نقشه ذهنی در سایت ویکی پدیای فارسی

سایت کافه تدریس، «نقشه ذهنی یا Mibd Map چیست؟»

سایت متمم، یادداشت نقشه ذهنی چیست؟ بررسی کاربردهای نقشه ذهنی در یادگیری

در ابتدای یادداشت اخیر می‌خوانیم:

احتمالاً شما هم برای امتحان یا برای برنامه ریزی یک جلسه یا یک سخنرانی یا یک مذاکره، از چیزی شبیه نقشه ذهنی استفاده کرده‌اید.

حتی حدود هفده قرن قبل هم، فیلسوفی مثل پورفیری، برای تفهیم بهتر دسته بندی های ارائه شده توسط افلاطون، از چیزی شبیه نقشه ذهنی استفاده می‌کرده است.

در کارهای داوینچی هم، نمونه های زیادی از نقشه های ذهنی را می‌توان یافت.

اما به هر حال در دوران جدید، این تونی بوزان بود که استفاده از نقشه ذهنی را ترویج کرد و دهها کتاب و مطلب در موردش نوشت که از جمله آن‌ها می‌توان به کتاب The Mind Map Book اشاره کرد که در سال ۱۹۹۶ منتشر شد.

تونی بوزان تاکید دارد که ساختار شاخه ای شدن، ساختاری **طبیعی** است و به وفور در طبیعت یافت می‌شود.

در همین سایت در مورد تونی بوزان آمده است:

تونی بوزان (Anthony Buzan) نویسنده انگلیسی کتاب‌های عمومی در زمینه خلاقیت، یادگیری، تندخوانی، افزایش کارایی و سایر مهارت‌های فردی است.

توني بوزان به عنوان نويسنده مستقل و نيز نويسنده همكار، در مجموع بيش از 100 عنوان كتاب تاليف كرده كه به بيش از 30 زبان مختلف ترجمه شده‌اند (+).

توني بوزان را عموماً به واسطه‌ي تكنيك ترسيم نقشه ذهني (Mind Mapping) مي‌شناسند.

او اگر چه خود را مخترع و مبدع نقشه ذهني مي‌داند و بر اين مسئله در عنوان وبسايت خود نيز تاكيد كرده است، اما در واقع صرفاً كسي است كه بحث نقشه ذهني را تبليغ كرده و رواج داده است.

توني بوزان در سال 2006، نرم افزاري را براي ترسيم نقشه ذهني توليد و عرضه كرد.

اين نرم افزار iMindMap نام دارد و تا امروز نيز، به روز شده و همچنان عرضه مي‌شود.

توني بوزان در نوشته هاي خود به اين مسئله اشاره مي‌كند كه ترسيم نقشه ذهني مي‌تواند يادگيري مطالب را افزايش دهد.

برخي تحقيقات اين ادعاي او را تاييد و برخي ديگر آن را رد مي‌كنند و شبه علم مي‌دانند.

به نظر مي‌رسد منطقي‌تر است به جاي اينكه انتظار داشته باشيم نقشه ذهني، به ما در درك مطالب كمك كند، آن را ابزاري براي به خاطر سپردن بهتر و نيز مرور آموخته‌ها بدانيم.

كتاب توني بوزان با عنوان:

The Mind Map book

براي ترسيم نقشه ذهن نرم‌افزارهاي مختلفي در دسترس مي‌باشد:

Microsoft office Visio ،

Concept draw

،mind manager inspiration ،

mindgenius

،iMindMap ،

Xmind

و mindmup

[5] در اين زمينه نرم‌افزارهاي متعددي در زمينه‌هاي مختلف وجود دارد:

-نرم‌افزار PHAST در زمينه پيش‌بيني حوادث قبل از وقوع: در دنياي امروز، استفاده از كامپيوتر و انجام محاسبات فرايندي به كمك نرم افزارها، روز به روز بيشتر گسترش يافته به طوري كه استفاده از آن ها مزاياي متعددي به دنبال دارد. از طرفي روز به روز توجه مهندسين فرايند به حوادث فرايندي و راه هاي ارزيابي پايدار و مدل سازي آن ها جهت پيش بيني اقدامات پيشگيرانه،

بیشتر و بیشتر می شود.

نرم افزار PHAST محصولی است که توسط شرکت DNV یکی از پیشگامان ارزیابی مخاطرات و حوادث صنعتی، تهیه شده است و این نرم افزار به عنوان یکی از ابزارهای تصمیم گیری شرکت ها و دولت ها در امر مخاطرات صنعتی و ایمنی عمومی شناخته شده است. کاربرد این نرم افزار با توجه به قابلیت هایی که دارد روز به روز بیشتر شده است. مراجعه کنید به : الگوریتم کار کردن با نرمافزار PHAST به زبان ساده

-نرمافزار «ایویوز» در حوزه پیشبینیهای اقتصادی: این نرمافزار توسط شرکت IHC واقع در ایروایین کالیفرنیا تولید شده است. در گذشته شرکت دیگری به تولید این نرمافزار میپرداخت. در واقع، میتوان گفت که در ابتدا این نرمافزار توسط (Quantitative Micro Software | QMS) توسعه و نشر داده شده بود. در آنزمان، MicroTPS از شرکت QMS یکی از اولین نرمافزارهای پیشبینیکننده و تحلیلی در دسترس برای رایانههای شخصی بوده است. در سال ۱۹۹۴ میلادی، «ایویوز» (Eviews) نرمافزاری برپایه ویندوز، جایگزین MicroTPS شد.

امروزه نرم افزار ایویوز یکی از اصلیترین نرمافزارهای پیشبینی کننده اقتصادکلان بکار گرفته شده توسط بانکهای مرکزی، بانکهای ملی و ادارات دولتی در سراسر جهان است. برای مثال، نهادهای دولتی مانند «صندوق بینالمللی پول» و «سازمان ملل متحد» از ایویوز به عنوان ابزاری تمرینی جهت تحلیل اقتصاد کلان استفاده میکنند. در زمان نگارش این مطلب، نسخه ۱۲ نرمافزار ایویوز نیز جهت نصب و استفاده در دسترس قرار گرفته است.

نرم افزار ایویوز چیست؟

نرم افزار Eviews از نرمافزارهایی با زبان ساده است. به عبارتی دیگر، ایویوز یک نرمافزار است که یادگیری آن آسان به شمار میرود و از آن برای انجام فعالیتهای اقتصادسنجی و آماری و پیشبینی استفاده میشود. با بکارگیری نرم افزار ایویوز میتوانید به سرعت و به صورت موثر دادههای خود را مدیریت کنید. تحلیل آماری انجام دهید. مدلسازی و پیشبینی کنید. با استفاده از ایویوز میتوانید نمودارهایی با کیفیت بالا برای نشر یا استفاده در نرمافزارهای دیگر، از آنها بهره بگیرید.(سایت فردرس، مقاله نرمافزار ایویوز چیست و چه کاربردهایی دارد؟)

-نرمافزار PishbiniXL Pro : امروزه پیش بینی دقیق و قابل اعتماد به یکی از دغدغه های مهم موسسات تجاری تبدیل شده است همه کسب و کارها نیازمند تا میزان فروش، تقاضا و قیمت محصولات خود را پیش بینی کنند تا بر اساس آن یک برنامه ریزی دقیق برای تولید، رقابت و ای ارائه خدمات خود داشته باشند اما به علت عدم آگاهی از تکنیک های پیشرفته پیش بینی، فقدان متخصص در شرکت ها و هزینه های خیلی زیادی که موسسات مشاوره ای بر سازمان ها تحمل می کنند و یا ناکارایی روش های کلاسیک باعث شده تا شرکت ها نتوانند در پیش بینی آینده محصولات خود و برنامه ریزی دقیق برای کسب فرصت های بازار موفق عمل کنند. برای حل این مشکل پایگاه تخصصی تحلیل آماری نرم افزار پیش بینی با شبکه عصبی در محیط اکسل را با نام PishbiniXL Pro طراحی کرده است.

از این پس موسسات تجاری می توانند به کمک این نرم افزار و بدون دانستن مبانی شبکه عصبی، به راحتی فروش، تقاضا و قیمت محصولات خود را برای ماه ها و سال های بعد پیش بینی کنند.

اغلب شرکت ها مانند حجم زیادی از داده های مربوط به تقاضا، تولید و فروش محصولات خود را در نرم افزار اکسل ثبت و ذخیره می کنند این داده های ثبت شده، منبع بسیار با ارزشی هستند چون بر اساس یک الگوی پیچیده با میزان تقاضای ای فروش آینده محصولات در ارتباط هستند. نرم افزار PishbiniXL Pro به کمک شبکه عصبی الگوی پنهان و پیچیده بین متغیرها را کشف و ذخیره می کند و از این پس می تواند پیش بینی دقیقی را برای ماه ها و سال های بعد محصولات خود داشته باشید.

«منطق فازی (Fuzzy Logic) به‌طور گسترده در سیستم‌های پیش‌بینی و مدیریت ریسک (از جمله پیش‌بینی حوادث) استفاده می‌شود. در ادامه به چند مورد کاربردی و نرم‌افزارهای مرتبط اشاره می‌کنم:

۱. کاربرد منطق فازی در پیش‌بینی حوادث

پیش‌بینی تصادفات جاده‌ای: با تحلیل عواملی مانند وضعیت جاده، آب‌وهوا، تراکم و رفتار رانندگان.

پیش‌بینی حوادث صنعتی: در کارخانه‌ها با بررسی پارامترهایی مانند دما، فشار و خطای انسانی.

پیش‌بینی بلایای طبیعی: مانند سیل، زلزله یا آتش‌سوزی جنگل‌ها با استفاده از داده‌های غیرقطعی.

۲. نرم‌افزارهای مبتنی بر منطق فازی برای پیش‌بینی

الف) پلتفرم‌های تخصصی منطق فازی:

MATLAB + Fuzzy Logic Toolbox:

قابلیت طراحی سیستم‌های فازی برای پیش‌بینی.

مناسب برای مدل‌سازی حوادث با داده‌های نادقیق.

Python + libraries:

کتابخانه‌هایی مانند `scikit-fuzzy`، `pyFuzzy` و `TensorFlow` (برای ترکیب فازی با شبکه‌عصبی).

مثال: پیش‌بینی تصادفات با استفاده از داده‌های ترافیکی.

R + packages:

پکیج `FuzzyR` برای شبیه‌سازی سیستم‌های فازی.

ب) نرم‌افزارهای حوزه ایمنی و ریسک:

Fuzzy Risk Analysis Software:

برخی نرم‌افزارهای خاص (مانند `FRAAP`) برای ارزیابی ریسک حوادث با منطق فازی.

سامانه‌های هوشمند مدیریت بحران:

مانند سیستم‌های هشدار سیل که از منطق فازی برای پردازش داده‌های مبهم (مثل شدت بارش) استفاده می‌کنند.

۳. مثال عملی پیش‌بینی حوادث با منطق فازی

مدل پیش‌بینی تصادف جاده‌ای:

ورودی‌های فازی: سرعت، دید راننده، سطح لغزندگی جاده.

خروجی: سطح خطر (کم، متوسط، بالا).

قاعده‌های فازی:

اگر سرعت **بالا** و دید **کم** باشد، خطر **بسیار بالا** است.

اگر جاده **خیس** و سرعت **متوسط** باشد، خطر **متوسط** است.

۴. مزایای استفاده از منطق فازی در پیش‌بینی حوادث

پردازش داده‌های **غیردقیق** (مثل «دید کم» یا «ترافیک سنگین»).

مدل‌سازی **استدلال انسانی** (مثلاً یک راننده چگونه خطر را قضاوت می‌کند).

انعطاف‌پذیری در ترکیب با دیگر روش‌ها (مانند **شبکه‌عصبی** یا **الگوریتم ژنتیک**).

۵. محدودیت‌ها

نیاز به **تخصص** برای طراحی سیستم فازی بهینه.

وابستگی به **داده‌های تاریخی** برای آموزش مدل.

جمع‌بندی

بله، نرم‌افزارهای متعددی (از جمله MATLAB، پایتون و R) همراه با کتابخانه‌های تخصصی، از منطق فازی برای پیش‌بینی حوادث استفاده می‌کنند. این سیستم‌ها موارد که داده‌ها **نامشخص** یا **کیفی** هستند (مثل «احتمال وقوع حادثه») بسیار مفیدند.(برای تهیه این مطلب از هوش مصنوعی استفاده شده است. توجه داشته باشید که ممکن است برخی از داده‌های آن دارای خطا باشند)

در این زمینه همچنین ببینید: آموزش منطق فازی در متلب

مقاله پیش بینی تصادفات جاده ای با استفاده از روش فازی

منطق فازی در هوش مصنوعی

[6] تقریر جلسه تفسیر سوره مبارکه ق، تاریخ 25/2/92

[7] یادداشتهای استاد

[8] سؤال یکی از دوستان حاضر در جلسه درس

[9] در مورد کتاب سلیم بن قیس نیز بدین نکته اشاره میکردم که معتبر دانستن یا نادانستن روایت سلیم بن قیس، چندان اهمیّت ندارد و ما اصراری در اثبات اعتبارش نداریم؛ چون عدم مضامینی که در این کتاب وجود دارد، در سائر روایات نقل شده است؛ البته نه این مضمون به طور خاص، بلکه کلیّت مضمون روایاتش در سائر روایات نیز وجود دارد. من مقالهای در مورد شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها نوشته بودم؛ تمام مواردی که از کتاب سلیم آدرس دادم در کنارش یک آدرس دیگر مستقل از کتاب سلیم دادم تا نشان دهم که این مضمون، مضمون منحصر به کتاب سلیم نیست. البته این کتاب دارای مضامین منفرد نیز میباشد، ولی میزان مضامین منفردش اندک است. لبته این مشابهت مضمونی دلیل بر اعتبار نیست چون ممکن است این مضامین را از جای دیگر برداشته و در کنار هم چیده باشد.(تقریر درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری زنجانی حفظه الله،تاریخ ۲۶/ ۲/ ۱۴۰۳)

مقاله مورد اشاره در متن درس:

شهادت فاطمه؛ کشته شدن حضرت فاطمه (س) بر اثر صدمات وارده بعد از رحلت پیامبر(ص)

شهادت، اسم مصدر از ماده «شهد» (ر.ک: جوهری، ۲/۴۹۴) است که معانی لغوی گوناگونی برای آن ذکر کرده اند، از جمله: حضور، علم، خبر قاطع، سوگند، آشکار، و اخبار از آنچه مشاهده شده است (ر.ک: جوهری، ۲/۴۹۴؛ ابن منظور، ۳/ ۲۳۹ – ۲۴۳ زبیدی، ۵/۴۵ – ۴۹)

با دقت در کاربردهای این ماده، به نظر می آید که شهادت در لغت به دو معناست: حضور، همچون آیه «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ» (بقره، ۱۸۵)؛ گواهی دادن، همچون آیه «حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ» (فصلت، ۲۰). در معنای نخست، فعل بدون حرف جر، به مشهود تعلق می گیرد و در معنای دوم، با حرف جر «ب»، همچون آیه «وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلِمْنَا» (یوسف، ۸۱ ر.ک: فیومی، ۳۲۴) یا با حرف جر «علی» مانند آیه «وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ» (احقاف، ۱۰). دیگر معانی شهادت، یا از لوازم یکی از این دو معناست، یا مفادی است که در سیاق خاص، از کل جمله استفاده می شود، یا نوعی کاربرد مجازی، با گسترش معنایی این واژه و وضع تعیّنی است.

یکی از معانی شهادت، کشته شدن در راه خداست. برخی این معنا را اصطلاحی شرعی دانسته اند (ر.ک: زبیدی، ۵/ ۶۶)، به نظر می رسد این معنا هم از معانی لغوی است، ولی همانند معانی پیش گفته، از معانی ثانوی است که به تناسب یکی از دو معنای اصلی (حضور یا گواهی)، بر اثر نوعی توسع معنایی و وضع تعیّنی، پدید آمده است. درباره ارتباط این معنا با دیگر معانی لغوی این واژه وجوه بسیاری گفته شده است (ر.ک: ابن اثیر، ۲/۵۱۳؛ ابن منظور، ۳/ ۲۴۲؛ زبیدی، ۵/۴۶ – ۴۷). واژه شهادت و شهید به این معنا در قرآن به کار نرفته، ولی در روایات، زیاد به کار رفته و در این مقاله نیز همین معنا مراد است، که بار فقهی و کلامی هم دارد.

مظلومیت اهل بیت (ع) از دیدگاه پیامبر(ص):

در آیات و احادیث بسیاری به مسلمانان سفارش شده است که حرمت اهل بیت ما را نگه دارند. از آن جمله، آیه مودت است که طبق آن، اجر رسالت، دوستی خویشاوندان پیامبر(ص) است (شوری، ۲۳). در حدیث ثقلین بر لزوم تمسک به اهل بیت (ع) و عترت پیامبر (ص) در کنار کتاب خدا، تأکید شده است (صدوق، الامالی، ۵۰۰؛ طوسی، الامالی، ۱۶۲؛ متقي هندی، ۱/ ۱۸۶). با این حال، احادیث بسیاری از پیامبر(ص) نقل شده است که از مظلومیت اهل بیت (ع) و ستمی که پس از پیامبر(ص) به ایشان می شود، خبر داده است (ابن ابی شیبه کوفي، ۸/۶۹۷؛ ابن ابی عاصم، ۶۱۹). در احادیثی نیز به ستمی که بر حضرت زهرا (س) می رود، اشاره و آن حضرت (س) مظلومه خوانده شده (طوسی، الامالی، ۱۸۸؛ ابن طاووس، الیقین، ۴۸۸) و از بی احترامی به آن حضرت (س) یاد گردیده است (صدوق، الامالی، ۱۷۵ – ۱۷۶)، به نظر می رسد احادیثی که در آنها از اذیت اهل بیت (ع) نهي، و کیفر شدید آن گوشزد شده (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۱/ ۳۰، ۵۱؛ طوسی، الامالی، ۴۲۷؛ متقی هندی، ۱۲/۱۰۶ – ۱۰۸، ۱۱۱) با حدیث معروف پیامبر(ص) که در آن فاطمه (س) را پاره تن خود معرفی نموده و آزار وی را آزار خود خوانده است (ابن ابی شیبه کوفي، ۷/۵۲۶؛ بخاری، ۴/ ۲۱۰، ۲۱۹ طوسی، الامالی، ۲۴) و احادیث مشابه، تنها بیانگر حکم شرعی کلی و توصیه دینی نیست، بلکه اشاره اجمالی به حوادث آینده است.

بنا بر همه منابع تاریخی و حدیثی، حضرت زهرا(س) که پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) ، مدت کوتاهی زندگی کرد و همچنان که پیامبر (ص) خبر داده بود، نخستین کسی از اهل بیت (ع) بود که به پیامبر پیوست (احمد بن حنبل، مسند، ۶/۷۷، ۲۴۰، ۲۸۲؛ بخاری، ۴/۱۸۳، ۲۱۰؛ صدوق، الامالی، ۶۹۲). در این مدت کوتاه، حوادث ناگوار بسیاری برای ایشان رخ داد که سبب آزردگی روحی شدید و لطمه های جسمانی آن حضرت (س) شد، به طوری که ایشان بر اثر آن حوادث، بیمار شد و از دنیا رفت. برخی منابع اهل سنت، بدون اشاره به سبب آن، به بیماری فاطمه (س) و نیز به اذن خواستن ابوبکر از ایشان برای عیادت و تلاش وی برای راضی نمودن حضرت (س) اشاره کرده اند (ابن سعد، ۸/۲۷ – ۲۸؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ۳/۴۷). حضرت (س) در وصیتش، حضور نیافتن برخی را در تشییع و نماز بر پیکرش خواستار شده و از ظلم آنان و هجوم به خانه و آتش زدن در خانه اش و ضربت زدن به وی شکوه نموده است (مجلسی، بحارالانوار، ۳۰/۳۴۸). با عنایت به این مطالب درباره شهادت فاطمه (س)، در اصل شهادت ایشان تردیدی نیست. در صحیحة علي بن جعفر از امام کاظم (ع)، از حضرت فاطمه (س) با وصف صدیقه شهیده یاد شده است (كليني، ۱/ ۴۵۸). در روایات دیگری به کشته شدن حضرت زهرا (س) اشاره شده است و قاتل حضرت (س) و کسانی که به هر نحوی در این امر دخالت داشته ای بدان راضی بوده اند، لعنت شده اند (ر.ک: هلالی عامری، ۴۲۷؛ کراجکی، ۶۳). کیفر سخت قاتل ای قاتلان حضرت (س) در روز قیامت نیز بازگو شده است (ابن قولویه قمی، ۵۴۱، مجلسی، بحارالانوار، ۲۵ / ۳۷۳؛۳۰/۱۹۰).

بنا بر روایتی، کیفیت شهادت حضرت فاطمه (س) در صحیفه ای به املای پیامبر(ص) و خط حضرت علی (ع) پیشگویی شده و ابن عباس آن را دیده است (هلالی عامری، ۴۳۴). در پاره ای از روایات، به صراحت سبب وفات آن حضرت (س)، ضربتی دانسته شده است که به سقط جنینی انجامید که نامش «محسن» بود (ر.ک: قیسی، ۸/۴۴؛ ابن حجرعسقلانی، تبصیر المنتبه، ۴/ ۱۲۶۴). بر اساس روایتی معتبر از امام صادق (ع)، پیامبر(ص) این جنین را پیش از ولادت نام گذاری کرده بود (کلینی، ۶/۱۸)، بنا بر روایت ابوبصیر از امام صادق (ع) ، سبب وفات حضرت زهرا (س)، ضربت غلاف شمشیر قنفذ (غلام عمر) بود که به دستور ارباب خود این کار را کرد و با این ضربت، حضرت زهرا (س) محسن را سقط کرد و شدیدا بیمار شد (طبری امامی، دلائل الامامه، ۱۳۴). در روایت، واژه «لکزه» وارد شده است، که لغویان آن را ضربت در سینه، ضربت به جمیع جسد، ای فشار شدید به سینه ای زیر گلو معنی کرده اند (فراهیدی، ۵/۳۲۱؛ ابن منظور، ۵ / ۴۰۶؛ طریحی ۴/۱۳۷). در روایت دیگری از امام صادق (ع) ، ضمن تصریح به این مضمون، اشاره شده که رحلت حضرت (س) بر اثر ضربتی بوده که در هنگام ورود بی اجازه به منزل حضرت (س)، بر وی وارد شده است (ابن قولویه قمی، ۵۴۸). شبیه این روایت از عمار یاسر نیز گزارش شده است (طبری امامی، دلائل الامامه، ۱۰۴). با توجه به این گزارشها، شهادت حضرت زهرا (س) بر اثر هجوم به خانه آن حضرت (س) بوده است، نام حضرت زهرا (س) در فرهنگ اهل بیت (ع) چنان با مظلومیت آمیخته که زیارت نامه

مع‌روف آن حضرت (س) – که از امام جواد (ع) نقل شده – با خطاب «ای مم‌تحنه» به ایشان آغاز شده و در آن آمده که خداوند قبل از آفرینش حضرت زهرا (س)، وی را آزموده و با این آزمایش، شکیبایی حضرت در برابر مصائب آشکار شده است.(مفید، الامزار، ۱۷۸؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ۶/۹ – ۱۰)، در توقیعی از امام زمان (عج) نیز به محنت‌ها و گرفتاری های حضرت (س) و انکار و غصب حق وی اشاره گردیده است. (طوسی، الغیبه، ۲۸۶ – ۲۸۷؛ طبرسی، الاحتجاج، ۲/ ۲۷۹).

حادثه هجوم به خانه حضرت زهرا (س) را برخی به اجمال و برخی به تفصیل گزارش کرده اند، که از حیث محتوا اختلافاتی هم دارند. در برخی گزارش‌ها، ورود بدون اجازه به خانه حضرت (س) (ابن قولویه قمی، ۵۴۸)، در پاره ای تصمیم عمر به آتش زدن خانه (ابن قتیبه دینوری، ۱/۱۹؛ طبری امامی، المسترشد، ۲۲۴؛ مجلسی، بحارالانوار، ۳۱ / ۵۹)، و در نقلی دیگر، دستور دادن وی به این کار (مفید، الامالی، ۴۹؛ همو، الجمل، ۱۱۷) روایت شده است. در روایت اعمش از امام صادق (ع)، از وظایف مؤمن، اظهار دوستی با اولیای خدا‌ست و برائت جستن از دشمنان ایشان و کسانی که به آل محمد (ع) ستم کرده اند. در وصف این گروه، جملاتی همچون «کسانی که حرمت اهل بیت را هتک کردند» به کار رفته و از تصمیم آنان به سوزاندن خانه حضرت زهرا(س) خبر داده شده است (صدوق، الخصال، ۶۰۷). در روایتی، به هتک حرمت شدن خانه حضرت زهرا(س) تصریح و تأکید شده که این کار، هنگ حجاب الله است (ابن طاووس، الطرف، ۱۹؛ مجلسی، بحارالانوار، ۲۲ / ۴۷۷)، حسن اطروش، از پیشوایان زیدیه، ایمان را در گرو برائت جستن از ظالمان به اهل بیت (ع) دانسته و نظیر عبارت‌های روایت فوق را برای توصیف آنان به کار برده است (ر.ک: ۳۶)، سید مرتضی از آتش آوردن عمر برای سوزاندن خانه حضرت (س) سخن گفته و افزوده است که شیعه، این مطلب را از طرق بسیار روایت کرده اند (۳/۲۴۱). شیخ طوسی روایات شیعه را در این باره مستفیض دانسته و گفته است ضربت زدن عمر بر شکم حضرت زهرا(س) که به اسقاط جنینی انجامید که محسن نام داشت، سخن مشهوری است که درباره آن در بین شیعه اختلافی نیست (تلخیص الشافی، ۳/ ۱۵۶). شیخ مفید نیز از اشتهار حادثۀ هجوم و فرستادن قنفذ و دستور جمع آوری هیزم و تهدید اهل خانه به سوزاندن خانه سخن گفته است (الجمل ، ۱۱۷ – ۱۱۸). در کلام بزرگان شیعه، به مستفیض (مجلسی، حق الیقین، ۱۸۹؛ ر.ک؛ همو، بحارالانوار، ۲۸/۴۰۹) ای متواتر بودن (طبرسی نوری، ۲/۱۲۸؛ مظفر، ۳/ ۵۳؛ ر.ک: مهدی، ۳۶۱ – ۳۶۴) این گونه روایات تصریح شده است. علامه مجلسی، شهادت آن بانو را از متواترات دانسته است (مرآة العقول،۵/۳۱۸).

گزارش حادثه هجوم به خانه حضرت زهرا (س) در منابع اهل سنت به گستردگی گزارش این حادثه در منابع شیعی نیست. این امر، با توجه به اوضاع زمان و حاکمیت مخالفان اهل بیت (ع) و تعارض داشتن این روایات با مشروعیت حاکمیت، کاملا طبیعی است (ر.ک: مظفر، ۱/۷ – ۲۵). در تاریخ، نمونه های فراوانی وجود دارد از برخورد با کسانی که در صدد انتشار فضایل اهل بیت (ع) بودند (ر.ک: ابن ابی الحدید، ۱۱ / ۴۴؛ ابن خلکان، ۱/۷۷). به ای از جعل فضایل برای حاکمان سرباز می زدند (ر.ک: ابن ابی الحدید، ۱۱ / ۴۴؛ ابن خلکان، ۱/۷۷). به سبب همین ترس و خفقان، گاه از نقل حادثه به شکل روشن خودداری و به گزارش مهم آن بسنده شده است. مثلا، برخی از محدثان عامه به جای ذکر تهدید عمر به سوزاندن خانه، که در مصادر حدیثی و تاریخی آمده است، عبارت روایت را به «سخن گفتن عمر با فاطمه(س)»، ای تهدید عمر به آتش زدن را به «چنین و چنان می کنم»، تغییر داده و محتوای سخن عمر را با حضرت زهرا (س) گزارش کرده اند (احمد بن حنبل، فضائل الصحابه، ۳۶۴؛ ابن عبدالبر، ۳/۹۷۵؛ صفدی، ۱۷ / ۱۶۷). نقل صریح این گونه روایات، چه بسا موجب تضعیف راوی می گردید، مثلا، درباره نقطه ضعف نظام (م. ۲۲۰ق.)، متکلم نامدار (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۱۰/ ۵۴۲)، آورده اند که وی بر آن بوده است که عمر در روز بیعت، بر شکم فاطمه (۷) ضرباتی زد که به سقط جنین وی انجامید، عمر فریاد می زد که خانه را با هر کس در آن هست آتش بزنید، اما در خانه به جز علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام، کسی نبود (شهرستانی، ۱/ ۵۷؛ صفدی، ۶/ ۱۵).

در ترجمۀ ابن ابی دارم، با تاکید بر اینکه وی در همه عمر «مستقیم الامر» بوده، افزوده شده است که در اواخر عمر، در حضورش بیشتر از مثالب (بدیها، در مقابل مناقب) روایت می شد، از جمله در

حضور وی این حدیث خوانده شده که عمر به حضرت زهرا (س) لگدی زد که وی محسن را سقط کرد. ظاهرا نقل این گونه روایات سبب شده است که وی را رافضی بخوانند و تضعیف کنند.

ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، ۱/ ۲۶۸). این شهر آشوب از ابن قتیبه دینوری در المعارف نقل کرده است که محسن بر اثر ضربت «قنفذ» کشته شد (۳/۱۳۳)، این گزارش در نسخه های موجود المعارف وجود ندارد. گنجی شافعی نیز اسقاط جنین حضرت زهرا (س) را، که پیامبر (س) وی را محسن نامیده بود، از ابن قتیبه دینوری نقل کرده است (۴۱۳). در نسخه فعلی الامامة و السیاسة فقط نقل شده است که عمر تهدید به آتش زدن خانه کرد (ر.ک: ابن قتیبه دینوری، ۱/۱۹). تاریخ الیعقوبی از هجوم به خانه حضرت فاطمه (س) و ورود غاصبان به آنجا خبر داده است (۲/۱۲۶). در فرائد السمطین نیز از پیامبر (ص) روایتی نقل شده که در آن ماجرای شکستن حرمت خانه حضرت زهرا(س)، شکستن پهلو و اسقاط جنین وی، یاری خواهی حضرت (س) و خطاب وی به پیامبر(ص) و کشته شدن حضرت فاطمه (س) آمده است (جوینی، ۲/۳۵).

گزارشهای مستند راجع به شهادت:

در منابع اهل سنت و شیعه، گزارش های بسیاری هست که طبق آنها هجوم به خانه حضرت زهرا(س) و تهدید، برای بیرون راندن کسانی بوده است که حاضر به بیعت با آتش افروختن و سوزاندن ای تهدید ابوبکر نبودند.

عواملی که در این گزارشها به آنها اشاره شده است، به تنهایی یا در کنار دیگر اسباب، زمینه ساز شهادت حضرت (س) بوده اند. عمده گزارشها، بنا بر منابع شیعه و اهل سنت، عبارتند از: تهدید عمر به خراب کردن خانه (ر.ک: مفید، ۱۰۷ – ۱۰۸) تهدید عمر به آتش زدن خانه (طبری، ۲/ ۴۴۳؛ طبری امامی، المسترشد، ۳۷۸ – ۳۷۹؛ ابن ابی الحدید ۲/۵۶، ۶/۴۸)؛ آوردن هیزم برای آتش زدن خانه (ابن قتیبه دینوری، ۱/ ۶۱۹ ابن ابی الحدید، ۲۰/۱۴۷)؛ همراه آوردن فتیله (بلاذری: ۲/ ۲۶۸؛ اندلسی، ۴/۲۴۷) برای آتش زدن؛ دستور دادن به آتش زدن خانه (مفید الامالی، ۴۹؛ همو، الجمل، ۱۱۷)؛ آتش زدن در خانه حضرت (س) (هلالی عامری، ۱۵۰؛ خصیبی، ۱۶۳، ۱۷۹، ۴۰۷)؛ بیعت کردن علی (ع) پس از وارد شدن دود به خانه (سید مرتضی، ۳/۲۴۱؛ مفید، ۱۸۵, ۲۴۱)، گرچه از روایات مبنی بر تصمیم به آتش زدن خانه حضرت زهرا (س) بر می آید که این تصمیم عملی نشده و خانه حضرت (س) با اهل آن سوزانده نشده است، ولی این امر با افروختن آتش بر در خانه ای آتش گرفتن در خانه منافاتی ندارد؛ ورود بدون اجازه به خانه فاطمه (س) (هلالی عامری، ۱۴۹ – ۱۵۰؛ ابن قولویه قمی، ۵۴۸؛ طبرسی، الاحتجاج، ۱/۱۰۸ – ۱۰۹). اینکه عمر در خانه حضرت زهرا (س)، که از شاخ خرما بوده، شکسته است و مهاجمان به خانه وارد شده اند (عیاشی، ۲/ ۶۷ و الاختصاص، ۱۸۶)؛ أبا نداشتن مهاجمان از حضور حضرت فاطمه (س) (ابن قتیبه دینوری، ۱/۱۹) و امام علی، امام حسن و امام حسین (ع) در خانه (ابن طاووس، الطرائف، ۲۳۹؛ علامه حلی، ۲۷۱)؛ اعتراض حضرت زهرا(س) در آستانه در و قسم دادن به حمله کنندگان (ابن قتیبه دینوری، ۱/ ۱۹؛ طبری امامی، المسترشد، ۳۷۹)؛ نالله و فغان حضرت زهرا (س) پشت در، همراه با صدا کردن پیامبر(هلالی عامری، ۱۵۰ خصیبی، ۴۰۷)؛ اجتماع بسیاری از زنان بنی هاشم (ابن ابی الحدید، ۶/۴۹)، در برخی روایات تصریح شده است که با آنکه حضرت زهرا مهاجمان را سوگند داد که به خانه وارد نشوند، هجوم انجام گرفته است (ابن حسین، ۱۶ – ۱۷؛ مفید، ۱۲۳ – ۱۲۴)؛ حائل شدن حضرت زهرا (س) بین حضرت علی (ع) و قنفذ و دیگر مهاجمان (هلالی عامری، ۱۵۰ – ۱۵۱؛ ابن حسین، ۱۷، عیاشی، ۲/۳۰۷ : فشار دادن حضرت (س) بین دیوار و در و کوبیدن در به ایشان (خصیبی، ۴۰۷؛ کوفی، ۲۲۷؛ صدوق، معانی الاخبار، ۲۰۶). اسقاط جنینی به نام محسن (طبری امامی، دلائل الامامه، ۱۳۴؛ ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، ۱/ ۲۶۸)؛ لگد زدن به حضرت زهرا(س) (الاختصاص، ۱۸۵؛ مجلسی، بحارالانوار، ۲۹ / ۱۹۲)؛ کمک خواستن حضرت زهرا (س) از فضه هنگام سقط جنین (مجلسی، بحارالانوار، ۳۰/ ۲۹۴)؛ زایانه خوردن حضرت زهرا (س) به دستور عمر (هلالی عامری، ۱/ ۱۵۳) ای به دست خود وا (خصیبی، ۴۰۷) ای قنفذ (هلالی عامری، ۱۵۰؛ عیاشی، ۲/۳۰۷ – ۳۰۸؛ کوفی، ۲۲۷) یا خالد بن ولید (ر.ک: هلالی عامری، ۳۸۷؛ ابن حسین، ۱۷) ای مغیرة بن شعبه (ر.ک: عاملی، ۱/۳۳۰)، که ممکن است همه

آن‌ها واقعیت داشته باشد؛ ضربت زدن قنفذ با غلاف شمشیر به حضرت زهرا(س) (طبری امامی، «دلائل الأمامه، ۱۳۴)؛ باقی ماندن اثر تازیانه بر بازوی حضرت زهرا(س) همانند بازوبند، تا هنگام شهادت ایشان (هلالی عامری، ۱۵۱، ۲۲۳، ۲۲۴؛ ابن حسین، ۱۷، ر.ک، خصیبی، ۱۷۹)؛ شکسته شدن استخوانی از استخوان‌های پهلوی حضرت زهرا (س) (هلالی عامری، ۱۵۳؛ ابن طاووس، إقبال الاعمال، ۳/ ۱۶۶)؛ سیلی زدن به روی حضرت (س)(خصیبی، ۴۰۷)، اینکه حضرت فاطمه (س) مهاجمان را تهدید کرد که آنان را نفرین می کند (یعقوبی، ۲/۱۲۶؛ عیاشی، ۶۷؛ کلینی، ۱/ ۴۶۰)؛ ممانعت حضرت علی از نفرین حضرت زهرا (س) (عیاشی، ۲/۶۷، الاختصاص، ۱۸۶)؛ اینکه مهاجمان، شمشیر زبیر را گرفتند و شکستند (ابن قتیبه دینوری، ۱/ ۱۸، حاکم نیشابوری، ۳/ ۶۶؛ بیهقی، ۸/۱۵۲)؛ خودداری حضرت علی از برخورد با مهاجمان به سبب دستور پیامبر (ص) به صبر برای حفظ دین (ر.ک: هلالی عامری، ۱۵۵؛ مهدی، ۲۳۶ – ۲۳۷)، در مؤتمر علماء بغداد از مسمار نیز سخن به میان آمده است (عاملی، ۱/ ۳۵۳)؛ اظهار پشیمانی ابوبکر از توسل به زور و گشودن در خانه فاطمه (س) (ر.ک: ابن قتیبه دینوری، ۱/۲۴؛ طبری، ۲/۶۱۹؛ طبرانی، ۱/ ۶۲)، برخی از عامه، این اظهار پشیمانی را دلیل بر قوت دین ابوبکر، و آن را از مناقب وی دانسته اند (ابن ابی الحدید، ۱۷ / ۱۶۸)، همچنان که کار عمر و هجوم به خانه فاطمه و برخورد با پناه‌دگان آن خانه و علی (ع) را توجیه کرده اند (ر.ک: بلاذری ۲/۲۶۷ – ۲۶۸)، که نظیر آن در ماجرای شورش عبدالله بن زبیر اتفاق افتاد. وی بنی هاشم را در شعب محاصره کرد و برای آتش زدن آنان هیزم فراهم آورد. عروة بن زبیر، عمل برادرش را شبیه به اقدام عمربن خطاب دانسته و گفته هدف هردو، رفع اختلاف و تهدید برای وادار کردن مخالفان به اطاعت از حاکم بوده است (مسعودی، ۳/ ۷۷؛ ابن ابی الحدید، ۲۰/ ۱۴۷). از مجموع این گزارش‌ها روشن می شود که بیماری حضرت فاطمه (س) با حوادث پس از رحلت رسول خدا(ص) مرتبط، و شهادت حضرت (س) متأثر از این مسائل بوده است.

این گزارش‌ها در نقل جزئیات حادثه اختلاف‌هایی دارند و برخی، با توجه به این اختلاف‌ها، در صحت این گزارش‌ها تردید کرده اند، ولی اختلاف در جزئیات یک حادثه، در اصل آن تردید ایجاد نمی کند، چنان که در نقل جزئیات دیگر حوادث تاریخی نیز اختلافات بسیار دیده می شود، ولی با ثابت بودن اصل آن حادثه منافاتی ندارد و تنها در درست بودن برخی از این جزئیات تردید به وجود می آورد. از سوی دیگر، برخی از این اختلاف‌ها بدان سبب است که هر گزارشگری فقط به جنبه ای از حادثه اشاره کرده و به جوانب دیگر نپرداخته است (ر.ک؛ عاملی، ۱/ ۱۲۰). همچنین، با توجه به مجموع گزارش‌ها، می توان نتیجه گرفت که چند بار به خانه حضرت زهرا(س) هجوم برده اند، چنان که بعضی بر آن تأكيد ورزیده اند (ر.ک: سیدمرتضی، ۳/۲۴۱؛ عاملی، ۱/۳۱۳ – ۳۱۵؛ يوسفي غروي، ۴/ ۱۰۸ – ۱۳۰)؛ البته تعدد وقوع برخی از این حوادث، بعید به نظر می آید و احتمال خلط بین دو حادثه قوت می گیرد. مثلا، روایتی در الاختصاص، شبیه لطمه هایی که به حضرت زهرا (س) در حادثه هجوم به خانه وارد آمده، درباره ماجرای فدک نقل کرده (الاختصاص، ۱۸۵)، که به احتمال بسیار از خلط حوادث این دو ماجرا نشئت گرفته است.

تعداد هجوم‌ها به خانه حضرت :

برخی بر آن اند که هجوم در سه مرحله انجام گرفته (ر.ک: یوسفی غروی، ۴/ ۱۰۸ – ۱۳۰) و گاه گزارش‌های یک مرحله با گزارش‌های مرحله دیگر اشتباه شده است. مثلا، درگیری زبیر با مهاجمان، درهجوم دوم بوده است، ولی برخی آن را در هجوم اول دانسته اند (مهدی، ۱۰۴). در مرحله نخست، عمر با گروهی، برای بیرون راندن کسانی که حاضر به بیعت با ابوبکر نبودند، به خانه حضرت زهرا (س) رفت. این مرحله با مناظرهٔ مهاجمان و حضرت علی (ع) و حامیان وی سپری شد. حضرت (ع) درباره حق خود برای امامت استدلال آورد و حامیان خلیفه اشکالاتی، از جمله جوان بودن حضرت (ع) را مطرح ساختند (ابن قتیبه دینوری، ۱/۱۸ – ۱۹؛ طبرسی، الاحتجاج، ۱/۹۶ – ۹۷؛ ابن ابی الحدید، ۶/ ۱۱ – ۱۲). بنا بر روایتی، در این مرحله، دوازده تن از بدریان، به درخواست حضرت علی (ع)، بر سخن پیامبر (ص) در کنار غدیر خم گواهی دادند (طبرسی، الاحتجاج، ۱/۹۶ – ۹۷). با بالا گرفتن گفتگو، عمر از ترس اینکه سخن حضرت علی (ع) مؤثر افتد، جلسه را خاتمه داد و حضرت علی (ع) در خانه ماند و به

جمع آوری قرآن پرداخت (طبرسی، الاحتجاج، ۱/۹۷ – ۹۸۸ ر.ک: مهدی، ۱۰۷).

بنا بر پاره ای روایات، ابوبکر، قنفذ را برای رساندن پیام دعوت به بیعت، نزد حضرت علی (ع) فرستاد. حضرت علی (ع) در پاسخ این پیام، که در آن ابوبکر خلیفهٔ رسول الله(ص) خوانده شده بود، بر ارواین این لقب تأکید کرد و گفت: این لقب به من اختصاص دارد، و نزد ابوبکر نرفت (هلالی عامری، ۱۴۸، ۳۸۵ – ۳۸۶؛ عیاشی، ۲/۶۶؛ الاختصاص، ۱۸۶-۱۸۵). همچنین فرمود که با توجه به وصیت پیامبر(ص) تا جمع آوری قرآن به پایان نرسد، از خانه خارج نمی شود (عیاشی، ۲/ ۶۶) لذا، اقدام برای گرفتن بیعت چند روز به تأخیر افتاد و پس از پایان جمع آوری قرآن و عرضه آن، صورت پذیرفت.

از حضرت زهرا(س) ، در آستانه در خانه، سخنی نقل گردیده که در آن از بی وفایی قوم و بدرفتاری آنان با اهل بیت (ع)، شدیدا گلایه شده است (ابن قتیبه دینوری، ۱/ ۲۰؛ مفید، الامالی، ۵۰ ر، ک[ابن ابی الحدید ۶/۴۹)، که احتمال دارد با مرحلهٔ نخست هجوم مرتبط باشد.

در این زمان، حضرت علی (ع) شبها حضرت زهرا (س) را سوار مرکب می کرد و به همراه امام حسن و امام حسین علیهم السلام به در خانه مهاجران و انصار می رفت و از آنان یاری می خواست، ولی آنان، به حضرت زهرا پاسخ منفی می دادند (طبرسی، الاحتجاج، ۱/۱۰۷- ۱۰۸؛ ابن ابی الحدید، ۱۱ /۱۴) و بیعت با ابوبکر را عذر آن قرار می دادند.(ابن قتیبه دینوری، ۱/۱۹؛ ابن ابی الحدید، ۶/۱۳). بنا بر برخی منابع، حضرت علی (ع) پس از مأیوس شدن از یاری آنان، به جمع آوری قرآن روی آورد (ر.ک: هلالی عامری، ۱۴۶ – ۱۴۷).

چند روز پس از هجوم اول، هجوم دوم رخ داد که در آن تهدید به آتش زدن خانه، و درگیری زبیر با مهاجمان اتفاق افتاد و همه افراد خانه، به جز اهل بیت (ع) ، از خانه خارج شدند و بنا بر برخی روایات، همگی به جز حضرت علی (ع) بیعت کردند (ابن قتیبه دینوری، ۱/۱۹)، ولی در بعضی منابع اشاره شده است که حضرت علی (ع) و بنی هاشم در زمان حیات حضرت زهرا (س) بیعت نکردند (صنعانی، ۵/ ۴۷۲ – ۴۷۳؛ طبری، ۲/۴۴۸؛ ابن ابی الحدید، ۶/۴۶). مؤلف «الهجوم علی بیت فاطمه (س)» نیز بر آن است که هر چند در هجوم دوم، همه از خانه خارج شدند، ولی تا حضرت علی به اجابت بیعت نکرد، آنها هم بیعت نکردند(مهدی، ۱۱۵، ۲۵۲).

در هجوم سوم، آتش افروخته شد و در خانه سوخت و دود وارد خانه شد و حضرت زهرا (س)، که برای جلوگیری از ورود مهاجمان پشت در ایستاده بود، صدمه های جسمانی بسیاری دید که به بیماری شدید و شهادت وی انجامید. مهاجمان در خانه را شکستند و وارد منزل شدند و حضرت علی را کشان کشان، برای بیعت با ابوبکر، به مسجد بردند (ابن شاذان نیشابوری، ۳۶۷ ابن حسین، ۱۶ – ۱۷، الاختصاص، ۱۱؛ حلبی، ۲۳۳؛ ابن ابی الحدید، ۶/۴۸). در این هجوم، افراد زیادی شرکت داشتند و به روایتی، مهاجمان حدود سیصد تن بودند. نام برخی از آنان از منابع گوناگون گردآوری شده است (ر.ک: مهدي، ۱۱۶ – ۱۱۸)(گزارشات تاریخی از هجوم به خانه تا شهادت حضرت زهرا(س)/ جواد شبیری زنجانی-بخش اول)

از حادثه هجوم تا شهادت:

حضرت زهرا بر اثر لطمه هایی که در این هجوم دید، به شدت بیمار شد. وی به آزاردهندگان اجازه ملاقات نمی داد (طبری امامی، دلائل الامامه، ۱۳۴). حضرت علی (ع) بیماری همسر خود را پنهان می کرد و خود، با یاری اسماء بنت عمیس، از او پرستاری می نمود (مفید، الامالی، ۲۸۱؛ طوسی، الامالی، ۱۰۹). هنگامی که بیماری وی شدت گرفت، ابوبکر و عمر درخواست ملاقات کردند، ولی چون فاطمه (س) را خشمگین ساخته بودند، حضرت (س) در خواست مکرر ایشان را رد کرد (ابن قتیبه دینوری، ۱/ ۲۰؛ صدوق، علل الشرایع، ۱/ ۱۸۶؛ سید مرتضی، ۱۱۵/۴)، اما وقتی علی وساطت کرد، ملاقات آنان را

پذیرفت. گزارش‌های چندی، شدت ناراحتی حضرت زهرا (س) را نشان می دهد: حضرت زهرا(س) سلام آن ها را پاسخ نداد و از آنان روی خود را برگرداند و این کار چند بار تکرار شد (صدوق، علل الشرایع، ۱/ ۱۸۷؛ مجلسی، بحار الانوار،۲۰۳/۴۳، و ۲۰۳/۴۳، بحارالانوار، مجلسی، علل الشرایع، ۱/ ۱۱۸۶) پس از اقرار گرفتن از آن دو درباره حدیث پیامبر، مبنی بر اینکه رضایت فاطمه(س) به رضایت پیامبر(ص) و غضب فاطمه(س) به غضب پیامبر(ص) است، ناخشنودی خود را با صراحت به آن دو ابراز کرد (ابن قتیبه دینوری، ۱/ ۱۲۰ خزاز قمی، ۶۵، طبری امامی، دلالت الامامه، ۱۳۵) و این مقاومت، که نوعی تحرک سیاسی به شمار می آمد، برخلاف خواست مقامات کنندگان به پایان رسید. رضایت نداشتن حضرت زهرا(س) از خلیفه و همکارش، در گریه های بسیاری وی نیز انعکاس یافته است، به طوری که با وجود عمر کوتاهش پس از پیامبر(ص)، در زمره «بكائين » عالم قرار گرفت (عیاشی، ۲/ ۱۸۸ صدوق، الخصال، ۲۷۲؛ ابلی، ۲/ ۱۲۰). آن اوضاع دشوار، در گریه های حضرت (س) بی اثر نبود. وی برای گریستن به زیارت مقابر شهدا می رفت (صدوق، الامالی، ۲۰۴؛ همو، الخصال، ۲۷۳؛ ابلی، ۲/ ۱۲۰ – ۱۲۱)، هفته ای دو روز به زیارت قبور شهدای أحد می رفت و خاطره پیامبر را تجدید می کرد (کلینی، ۲۲۸/۳ ، ۲/ ۵۶۱)، حضرت زهرا(س) از زمان رحلت پیامبر(ص) تا شهادت خویش هیچ گاه خندان دیده نشد (ابن سعد، ۲/ ۲۴۸؛ کلینی، ۳/ ۲۲۸؛ ۴/۵۶۱، طبرانی،۳۹۹/۲۲).

وصیت حضرت زهرا(س) بیانگر ستم غاصبان و ناراحتی حضرت(س) از آنان بوده است. وی وصیت کرد که او را شبانه به خاک بسپارند (صدوق، معانی الاخبار، ۳۵۶، مفید، الامالی، ۲۸۱؛ طوسی، الامالی، ۱۰۹) و هیچ یک از ظالمان در حق وی، در تشییع جنازه و نماز بر او حضور نیابند (هلالی عامری، ۳۹۲؛ صدوق، الامالی، ۷۵۶؛ فتال نیشابوری، ۱۵۱) و به همین سبب، هیچ یک از آنان در این مراسم حاضر نبودند (مفید، الامالی، ۲۸۱؛ طبری امامی، دلائل الامامه، ۱۳۶ – ۱۳۷؛ ابن شهرآشوب، ۳/۱۳۷). در مصادر بسیاری، از عامه و خاصه به نقل از سلمی (همسر ابی رافع)، گفته اند که حضرت زهرا(س) در روز شهادتش غسل کرد و لباسهای تازه پوشید و فرمود: به زودی قبض روح خواهد شد و وصیت نمود که برای غسل دادن، بدنش را برهنه نسازند (ابن سعد، ۲۷/۸؛ احمدبن حنبل، مسند، ۶/۴۶۱ – ۴۶۲، طبرانی، ۲۲/۳۹۹).

بنا بر گزارش‌های بسیاری، اسماء بنت عمیس برای پرستاری از حضرت زهرا(س) ای در تهیه تابوت و وجود برای وی ای در مراسم غسل دادن وی حضور داشته است (مقاله وصایای فاطمه)

روز شهادت حضرت فاطمه (س):

درباره روز شهادت حضرت زهرا(س) گزارش‌های مختلفی وجود دارد (ر.ک: انصاری زنجانی، ۱۵ / ۳۳ – ۸۲). مشهورترین قول در نزد شیعه، سوم جمادی الآخره است (طوسی، مصباح المتهجد، ۷۹۳؛ کفعمی، ۵۱۱، مجلسی، بحارالانوار ۱۹۶/۴۳ ، ۲۱۵). مستند این قول، روایت ابی بصیر از امام صادق (ع) است (طبری امامی، دلائل الامامه، ۱۳۴). ابن طاووس این قول را (در التعريف للمولدالشريف، از جماعتی از اصحاب (ام) نقل کرده است (اقبال الاعمال، ۳/ ۱۶۰ – ۱۶۱). در نقل های دیگر، سیزدهم ربیع الآخر (این شهر آشوب، ۳/ ۱۳۲)، بیستم جمادی الآخره (طبری امامی، دلائل الامامه، ۱۳۶) و سوم ماه رمضان (ابلی، ۱۲۵/۲) نیز شهادت دانسته شده است، که در برابر قول مشهور، در خور اعتنا نیستند. همچنین با استناد به گزارش‌های راجع به مدت عمر حضرت زهرا(س)، اقوال دیگری نیز استخراج شده است (ر.ک: انصاری زنجانی، ۳۳/۱۵) که دقیق نیستند و مستند محکمی ندارند. بنا بر روایات بسیاری، مدت عمر حضرت زهرا پس از رحلت پیامبر (ص)، ۷۵ روز بوده است (ر.ک: انصاری زنجانی، ۳۵/۱۰- ۵۸). این مطلب در همان روایت ابی بصیر (طبری امامی، دلائل الامامه، ۱۳۴) و در دو روایت صحیح (یکی از ابی عبیده حذاء و دیگری از هشام بن سالم) از امام صادق (ع) آمده است (صفار، ۱۷۴؛ کلینی، ۱/ ۲۴۱، ۴۵۸، ۲۲۸/۳، ۵۶۱/۴)، که با قول مشهور در شهادت حضرت زهرا(س) (سوم جمادی الآخره) ناسازگار نیست، زیرا بنا بر قول مشهور درباره وفات پیامبر(۲۸ صفر و ۱۲ ربیع الاول)، با احتساب ۷۵ روز، حضرت زهرا (س) باید در اواسط یا اواخر جمادی الاولی به شهادت رسیده باشد.

ممکن است ۷۵ (خمسة و سبعین) باشد که در برخی (خمسة و تسعین) ۹۵ محرّف در این روایات، روایات، مدت عمر حضرت زهرا(س) پس از پیامبر(ص) ذکر شده است (دولابی، ۱۵۲؛ خزاز قمی، ۶۵؛ طبرسی، اعلام الوری، ۱/ ۳۰۰). بدین طریق، اگر وفات پیامبر (ص) در ۲۸ صفر باشد، این دو گزارش با هم تطبیق می کنند. این احتمال، صرف نظر از بحثهایی که درباره تاریخ وفات پیامبر (ص)وجود دارد (ر.ک شبیری، تحقیقی در روز وفات پیامبر(ص)، ۴ – ۱۵)، در صورتی صحیح است که چهار ماه متوالی صفر تا جمادی الاولی، همگی کامل باشند، که بسیار بعید است، مگر آنکه ۹۵ روز را به معنای سه ماه و پنج روز بگیریم. گزارشهای دیگری هم که درباره مدت عمر حضرت زهرا(س) (ر.ک: انصاری زنجانی، ۱۴ / ۲۷۸ – ۳۲۸) با فاصله بین رحلت پیامبر و شهادت حضرت زهرا است (ر.ک: انصاری زنجانی،۸/۱۰ – ۹۸)، بر دشواری این بحث می افزاید.

به گفته علامه مجلسی، بین بیشتر تاریخهایی که برای ولادت و وفات حضرت زهرا(س) ذکر شده و مدت عمر وی و نیز بین تواریخ وفات و روایت صحیح درباره مدت عمر حضرت زهرا (س) پس از رحلت پیامبر(ص)، سازگاری وجود ندارد. وی افزوده است روایتی از امام باقر (ع) مدت حیات حضرت زهرا(س) را پس از وفات پیامبر (ص) سه ماه ذکر کرده (ر.ک: طبری، ۲/ ۴۷۴؛ ابوالفرج اصفهانی، ۳۱) با قول مشهور درباره وفات پیامبر (ص) تطبیق می کند، بدین شکل که امام باقر(ع) هنگام محاسبه، چند روز بیشتر از سه ماه را در نظر نیاورده است (بحارالانوار، ۴۳ /۲۱۵).
این سخن استحکام بیشتری دارد، به ویژه با توجه به روایاتی از معصومان (ع) که وفات پیامبر(ص) را در دوم ربیع الاول ذکر کرده اند (حسيني جلالی، ۶۸، ابن خشاب بغدادی، ۶؛ ۱/۱۳ – ۱۴). لذا، با عنایت به مجموع گزارشها، شهادت حضرت فاطمه (س) در سوم جمادی الآخره، قوی ترین قول است.

به سبب اختلاف در تاریخ شهادت حضرت زهرا(س)، در جوامع شیعی در دو زمان (در اواسط جمادی الاولی و اوایل جمادی الآخره)، چند روز به عنوان ایام فاطمیه، مراسم عزاداری برپا می گردد. در ایران، سوم جمادی الآخره، شهادت حضرت زهرا(س) محسوب می شود و تعطیل رسمی است.

بازتاب شهادت حضرت فاطمه (س) در اشعار؛

مصائب حضرت زهرا (س) در اشعار، انعکاس گسترده یافته است. سید حمیری به ضربت خوردن آن حضرت (س) اشاره، و بر ضارب وی نفرین کرده است (عاملی نباطی، ۳/۱۳). برقی، از شعرای قرن سوم، به حادثه آتش افروزی اشاره کرده و عاملان آن را کافر خوانده، و ضربت خوردن حضرت زهرا (س) و شکسته شدن در خانه وی را در شعر خود آورده است (عاملی نباطی، ۳/۱۳؛ مهدی، ۲۳۹ – ۲۴۰). قاضی نعمان مغربی در الأرجوزة المختارة، به حادثه هجوم عمر به همراه جماعتی به خانه حضرت زهرا (س) اشاره کرده و گفته است که حضرت زهرا(س) پشت در ایستاده بود، ولی در را شکستند و حمله ور شدند و حضرت (س) را کتک زدند و وی سقط جنین نمود. مغربی کشته شدن حضرت زهرا (س) را نیز در شعر خود آورده است (مهدی، ۲۷۸- ۲۷۹). و (۸۹ – ۹۰). علی بن حماد، شاعر قرن چهارم، به تازیانه خوردن حضرت زهرا(س) دیگر مصائب ایشان اشاره کرده است(شوشتری، ۵۶۵/۲، مهدی، ۲۷۷). طلحة بن عبدالله، معروف به عونی، شاعر قرن چهارم، بیشترین سروده را در این باره دارد و لطمه های جسمانی آن حضرت (س) همچون تازیانه، سیلی خوردن، سقط جنین و نیز آتش افروزی و شکستن در خانه حضرت (س) در اشعار وی گزارش شده است(مهدی، ۲۹۲، ۳۰۲، ۳۰۸، ۳۱۱، ۳۱۲؛ عاملی، ۱۵/۲ – ۳۲؛ مقاله های فاطمه(س) در شعر فارسی؛ فاطمه (س) در شعر عربی).

شبهات درباره شهادت حضرت(س):

با وجود گستردگی گزارش‌های مربوط به شهادت حضرت زهرا(س) و حادثه هجوم به خانه آن حضرت (س)، از دیرباز مخالفان، ایرادهایی گرفته و متکلمان شیعی به آن‌ها پاسخ داده اند. از جمله اشکالات، این است که با توجه به شجاعت و غیرت انکارناپذیر حضرت علی (ع)، باور این‌که چنین مصائبی بر همسر وی رخ دهد و او سکوت کند، سخت است. بزرگان شیعه در پاسخ، یادآور شده اند که رفتارهای حضرت علی(ع) برخاسته از احساسات شخصی نبوده، بلکه حضرت (ع) به مصالح دینی می اندیشیده و همین امر سبب شده است که در قبال غصب خلافت نیز سکوت کند (ر.ک: کلینی، ۲۹۵/۸- ۲۹۶).

پیامبر (ص) نیز به حضرت علی (ع) وصیت کرده بود در برابر این حوادث صبر کند، که نتیجه آن حفظ دین و جلوگیری از بروز حوادث ناگوارتر بود و بزرگ ترین مجاهده حضرت (ع) در آن اوضاع بحرانی به شمار می آمد (ر.ک: عاملی، ۱/ ۲۶۶ – ۲۷۷؛ یوسفی غروی،۹/۴ – ۱۹۱؛ مهدی، ۴۷۹ – ۴۸۷).

در سال‌های اخیر، برخی ایرادها سبب شده است که پژوهشگران به بررسی دوباره این موضوع بپردازند و درباره آن کتاب‌هایی بنویسند. از جمله، در مأساة الزهراء ، سید جعفر مرتضی عاملی، شبهات کهنه و تازه بررسی شده است. مثلا، یکی از شبهات این است که برخی، منبع اصلی گزارش حادثه هجوم را کتاب سلیم بن قیس دانسته و با انکار اعتبار آن، در وقوع این حادثه تردید کرده اند. عاملی تاکید کرده است که گزارش این حادثه به کتاب سلیم بن قیس منحصر نمی شود، و افزوده با توجه به قرائنی (همچون استناد محدثان متقدم به این کتاب و تصریح به اعتبار آن) این کتاب، معتبر است(ر.ک، ۱/۱۴۱- ۱۵۵).

این اشکال که کتک زدن زنان در جامعه عرب عیبی بزرگ، و با روحیه عرب و رسوم جاهلی ناسازگار بوده نیز نادرست است، زیرا طالبان قدرت برای رسیدن به حکومت و تثبیت پایه های آن، از هیچ کاری، حتی کشتن فرزندان و برادران خود، ابایی نداشته و از سوی دیگر، نمونه های بسیاری از کتک زدن زنان در آن زمان در کتاب‌های تاریخی ثبت شده است (ر.ک: ۱/ ۱۸۹ – ۱۹۹).

اشکال دیگری که مطرح نموده اند این است که در زمان پیامبر (ص) خانه ها درهای چوبی که بر پاشنه بچرخد نداشته است، بلکه تنها پرده ای بر در اتاق‌ها می آویختند، لذا سوزاندن در خانه حضرت زهرا (س) ای فشار ایشان بین دیوار و در معقول نیست. این اشکال نیز نادرست است، زیرا شاهد وجود دارد دال بر آن‌که در آن زمان فقط پرده ای بر ورودی خانه می آویخته اند. بررسی شواهد بسیار درباره درهای مدینه نیز نشان می دهد که در آن زمان خانه ها، علاوه بر پرده، در هم داشته اند که برخی یک لنگه و برخی دو لنگه بوده و درهای خانه ها قفل و بست داشته و باز و بسته می شده است (ر.ک: ۲/ ۲۲۹ – ۳۲۱).

اشکال دیگری که بیش از همه مطرح می شود این است که با وجود احترام بسیاری که حضرت زهرا (س) در جامعه خود داشته است، وقوع حوادثی مانند هجوم به خانه ایشان بوا کردنی نیست. پژوهشگران پاسخ داده اند که بی تردید احترام پیامبر از احترام حضرت زهرا(س) بیشتر بوده است، اما صحابه با دستورهای پیامبر (ص) مخالفتهای صریحی کرده اند (ر.ک: بخاری،۳۷/۱؛ ۱۳۷/۵ – ۱۳۸)؛ به ویژه مخالفت با فرمان پیامبر (ص) در آخرین پنجشنبه زندگانی ایشان، با گفتن جمله این مرد هذیان می گوید» (ابن سعد،۲۴۳/۲ – ۲۴۶؛ نسائی،۴۳۵/۳ ؛ طبرانی، ۱۱ / ۳۵۲)، معروف است. گوینده این سخن، سرکرده مهاجمان به خانه حضرت زهرا (س) نیز بوده است.

از سوی دیگر، هر چند بیشتر مردم به حضرت زهرا(س) احترام می گذاشتند، ولی همه مردم چنین نبودند و دلیلی نداریم که نشان دهد مهاجمان به خانه حضرت (س)، به ایشان احترام می گذاردند. بیشتر افراد جامعه با وجود احترام گذاشتن به حضرت (س)در اوضاع عادی، هنگام دشواری‌ها حاضر به فداکاری برای وی نبودند و راحتی خود را بر تحمل سختی برای دفاع از حریم حضرت زهرا (س) ترجیح می دادند. لذا، با رفتار خشن حاکمان، مقابله نمی کردند (ر.ک: عاملی، ۱/ ۲۲۷ – ۲۳۰؛ مهدی، ۴۷۸- ۴۷۹).

شواهد بسیاری نشان می دهد که در زمان پیامبر (ص) ضدیت با حضرت علی(ع) حاکم شده بود. بسیاری از قریشیان به بنی هاشم حساسیت داشتند. کینه های فروخفته به بنی هاشم عموما و به حضرت علی (ع)به طور خاص، پس از رحلت پیامبر (ص) آشکار شد و حوادثی همچون حادثه هجوم ار به وجود آورد. از نظر برخی از مردم آن عصر، نهضت پیامبر(ص) نه نهضت الهی برخاسته از مبدأ وحی، بلکه نهضت قبیله ای بود که سروری بنی هاشم را به دنبال داشت. لذا، با تمام قوا می کوشیدند از اجتماع نبوت و خلافت در این خاندان – که در چارچوب تفکرات جاهلی، به تفاخر این قبیله می انجامید- جلوگیری کنند. در چنین فضایی، رخ دادن حوادثی چون حادثه هجوم به خانه حضرت زهرا (س)، دور از ذهن نیست (احمدی میانجی، ۵۰، ۵۷-۵۸). در دوره معاصر برای پاسخ به شبهات مطرح شده، آثار گوناگونی نوشته شده است(ر.ک، شبیری، پس از پیامبر(ص)، ۹۹ – ۱۰۴؛ مقاله گزارشات تاریخی از هجوم به خانه تا شهادت حضرت زهرا(س)/ جواد شبیری زنجانی- بخش آخر) کتاب شناسی فاطمه (س))

[10] شاید مقصود این روایت است:

و [سليم بن قيس قالشهدت أبا ذر بالربذة حين سيره عثمانو أوصى إلى علي ع في أهله مامله]فقال له قائل ولو كنت أوصيت إلى أمير المؤمنين عثمان فقال قد أوصيت إلى أمير المؤمنين حقا أمير المؤمنين علي بن أبي طالب ع سلمنا عليه بإمرة المؤمنين علي عهد رسول الله بأمر رسول الله ص [بأمر الله] [قال لنا سلموا علي أخي و وزيري و وارثي و خليفتي في أمتي و ولي كل مؤمن بعدي بإمرة المؤمنين فإنه زر الأرض الذي تسكن إليه و ول قد فقدتموه

و [أنكرتم الأرض و أهلها] فرأيتعجل هذه الأمة و سامريها راجعا رسول الله ص ثم قال حق من الله و رسوله غضب رسول الله ص ثم قال حق من الله و رسوله أمرني الله بذلك فلما سلمنا عليه أقبل علي أصحابهما- معاذ و سالم و أبي عبيدة حين خرج من بيت علي ع من بعد ما سلمناعليه فقال له ما بال هذا الرجل ما زال يرفع خسيسة ابن عمه و قال أحدهما إنه ليحسن أمر ابن عمه و قال الجميع ما لنا عنده خير ما بقي علي قال فقلت اي أبا ذر هذا التسليم بعد حجة الوداع أو قبلها فقال أما التسليمة الأولى فقبل حجة الوداع و أما التسليمة الأخرى فبعد حجة الوداع قلت فمعاقدة هؤلاء الخمسة متى كانت قال في حجة الوداع قلت أخبرني أصلحك الله عن الاثنين عشر- أصحاب العقبة المتلثمين الذين أرادوا أن ينفروا برسول الله ص الناقة و متى كان ذلك قال بغدير خم قبل رسول الله ص من حجة الوداع قلت أصلحك الله تعرفهم قال إي و الله كلهم قلت من أين تعرفهم و قد أسرهم رسول الله ص إلى حذيفة قال عمار بن ياسر كان قائدا و حذيفة كان سائقا فأمر حذيفة بالكتمان و لم يأمر بذلك عمارا قلت تسميهم لي قال خمسة أصحاب الصحيفة و خمسة أصحاب الشورى و عمرو بن العاص و معاوية قلت أصلحك الله كيف تردد عمار و حذيفة في أمرهم بعد رسول اللهص حين رأياهم قال إنهم أظهروا التوبة و الندامة [بعد ذلك]و ادعى عجلهم منزلة و شهد لهم سامريهم و الثلاثة معهم بأنهم سمعوا رسول الله ص يقول ذلك فقالوا لعل [هذا] أمر حدث بعد الأول فشك فيمن شك منهم إلا أنهما ثابا و عرفا و سلما قال سليم بن قيس فلقيت عمارا في خلافة عثمان بعد ما مات أبو ذر فأخبرته بما قال أبو ذر فقال صدق أخي أبا ذر [إنه لأبر و أصدق من أن يحدث عن عمار بما لا يسمع منه فقلت أصلحك الله بما تصدق أبا ذر قال أشهد لقد[سمعترسول الله ص يقول ما أظلت الخضراء و لا أقلت الغبراء على ذي لهجة أصدق من أبي ذر و لا أبر [قلت اي نبي الله و لا أهل بيتك قال إنما أعني غيرهم من الناس]ثم لقيت حذيفة بالمدائن رحلت إليه من الكوفة فذكرت له ما قال أبو ذر فقال سبحان الله أبو ذر أصدق و أبر من أن يحدث عن رسول الله ص بغير ما قال(كتاب سليم بن قيس الهلالي ؛ ج2 ؛ ص729-۷۳۱)

[11] جلسه درس تفسیر، مبحث نفی تحریف قرآن، تاریخ ۲۸/ ۲/ ۱۳۹۳

بازبینی #1
ایجاد شده 4 سپتامبر 2025 12:56:16 توسط ... .
به روزرسانی شده 11 سپتامبر 2025 11:34:19 توسط ... .